



لهي! مرغی‌ام به سلام و غزل، پر و بال زنان به بام گل‌های محمدی
تا بشنوی‌ام و بخوانی‌ام به صحن و سیرایت! الهی! درختی‌ام، ایستاده
به راهت بهار و زمستان نمی‌شناسد این نماز.
بار خدا! با تقویم عموم به تو گلبرگ باش و تو سبزه نگه دار. تو راهم
باش و از چاه گاه به گاه قطره کوچکی‌ام امید دریا (از تو به
تک اشاره از سر به دل دودمان).

سه شنبه ۱۰ اسفند ۱۳۹۵ | ۱ جمادی الثانی ۱۴۳۸ | ۲۸ فوریه ۲۰۱۷

از جایش بلند می‌شود و لباسش را می‌تکاند و همان‌طور که کیفش را پشتش می‌اندازد، انگار که می‌خواهد بگوید: «دنیای ما همیشه سیاه است. بچه‌های دیگر خیلی بهتر از ما زندگی می‌کنند. مدرسه می‌روند و مجبور نیستند به این و آن التماس کنند.» سرما انگار شدیدتر می‌شود.



مرا به زور مهمانی می‌برند

سلام، من نوجوانی پانزده‌ساله هستم. مشکل من این است که خانواده‌ام می‌خواهند هر کاری آنها می‌گویند انجام دهم. وقتی بیرون می‌روند اصرار دارند که من هم با آنها بروم. وقتی به مهمانی دعوت هستیم، اصلاً از من نمی‌پرسند که می‌خواهم بروم یا نه؟ وقتی من می‌گویم که حوصله ندارم و نمی‌خواهم بیایم، عصبانی می‌شوند و مرا دعوا می‌کنند و به‌زور مرا با خود می‌برند و تازه اصرار دارند که باید خوش‌اخلاق و خوش‌برخورد هم باشم. مگر من حق ندارم تصمیم بگیرم جایی را بروم یا جایی را نروم؟

قبل از اینکه راجع به راه‌حل این مسأله صحبت کنیم، اول شما و سایر نوجوانان از رفت‌وآمدها و جمع‌های خانوادگی، راه

تغییر کرده‌اید

همانطور که ظاهر شما نسبت به چندسال قبل خیلی تغییر کرده، علایق و خواسته‌های شما دوران نوجوانی، ممکن است نظر و علاقه شما نسبت به خیلی از برنامه‌هایی که در دوران کودکی ممکن است جمع‌هایی که قبلاً مشتاق شرکت در آن بودید، دیگر برای شما جذابیت نداشت به برنامه‌هایی پیدا کنید که در گذشته اصلاً به آن فکر هم نمی‌کردید.

اثبات استقلال

گاهی هم ممکن است واقعاً جمعی که برای شما کسل‌کننده باشد، برای همین نداشته باشید. مثلاً در آنجا کسی که هم با کسی که با او مأنوس باشید و از گفت‌وگو لذت ببرید، نباشد. معلوم است که در چنین ترجیح می‌دهد در خانه بماند و در چنین

مل



«توهم می‌توانی
سؤالات خود را به آدرس
inja.8.ast@gmail.com
برای ما ارسال کنی»

یک طرح اینترنتی قرار است به بچه‌های مناطق محروم اسباب‌بازی برساند

توهم بازی



شبکه اجتماعی که با ما خودمانی شده

حالا امسال هم دوباره کمپین «# تو هم بازی» به‌راه افتاده است، اما امسال هدف، بچه‌های روستای «بشاگرد» هستند. بشاگرد شهر کوچک و کم‌جمعیتی در استان هرمزگان است که چندین روستا دارد و جزو مناطق محروم کشورمان به حساب می‌آید. قرار است در طرح «# تو هم بازی»، برای بچه‌های بشاگرد اسباب‌بازی خریده و فرستاده شود تا به‌گفته مجید خسروانجم، در کنار دریافت مایحتاج روزانه و نونوار شدن روستاهایشان، دل‌هایشان هم روشن شود. حالا شما «هشتایی‌ها» اگر دوست دارید در این گروه شرکت کنید، دو کار می‌توانید انجام بدهید. اول اینکه به کانال تلگرامی آقای خسروانجم مراجعه کنید و تصویر کیفیت بالای پوسترهای طرح «# تو هم بازی» را در شبکه‌های اجتماعی که عضو هستید بازنشر کنید. این کار باعث می‌شود بقیه هم از این طرح خبردار شوند و استقبال بیشتر بشود. کار دیگر هم این است که اسباب‌بازی نو (حتی اسباب‌بازی های که دارید و نو به‌نظر می‌رسند) را به نشانی تهران، خیابان استاد نجات‌اللهی، نرسیده به خیابان طالقانی، کوچه زندی، شماره ۶، ستاد مرکزی نشریات همشهری محله ارسال کنید. طرح «# تو هم بازی» با شعار «اسباب‌بازی‌های نو، دلتنگ بچه‌های بشاگرد هستند» از ۸ تا ۱۸ اسفند ۱۳۹۵ برگزار می‌شود.

سال‌ها پیش نزدیک عید که می‌شد، چادرهای مخصوص «جشن نیکوکاری» در گوشه و کنار شهر برپا می‌شد. این چادرها مخصوص این بود که هرکس پوشاک یا وسایل نو دارد، آن را از این طریق به‌دست نیازمندان برساند تا خانواده‌هایی که وضع مالی خوبی ندارند، عید را مثل بقیه با پوشاک نو آغاز کنند.

حالا چندسالی است که دیگر از آن چادرها خبری نیست، بلکه روش‌های کمک به نیازمندان در روزهای آخرسال جدید و به‌روز شده است. مثلاً خیلی‌ها کارگروه‌های اینترنتی به‌راه می‌اندازند. آقای مجید خسروانجم که شما «هشتایی‌ها» حتماً با کاریکاتورهایش آشنا هستید، یکی از این گروه‌ها را به اسم «تو هم بازی» به‌راه انداخته است. آقای خسروانجم در کانال تلگرامی‌اش نوشته است: «همه‌چیز از اسفند سال قبل شروع شد. دوستان نازنینم راهی قلعه گنج (یکی از مناطق محروم شهر تهران) بودند و داشتند مواد غذایی و مصالح ساختمانی می‌بردند تا عید بچه‌های قلعه گنج، سبزتر بشود. این شد که توی شبکه‌های مجازی، کارگروه «# تو هم بازی» رو راه انداختیم و نمی‌دانید چه غوغایی به پا شد و از کجاست که به کمک ما نیامدند. خیلی از بچه‌های قلعه گنج، نوروز گذشته، بهترین هدیه‌ها را گرفتند.»

مهر

بانمک شدید

وزیر بهداشت می‌گوید که مصرف نمک ما ۱۲ گرم است که حداقل سه‌برابر مصرف جهانی است. به‌گفته آقای قاضی‌زاده‌هاشمی بیشترین علت مصرف زیاد نمک به‌خاطر مصرف نان است که در آن از نمک زیادی استفاده می‌شود. ۸۵ درصد زنان ایرانی و ۹۴ درصد مردان ایرانی هم بالاتر از حد مجاز نمک استفاده می‌کنند. همچنین مردم استان گیلان کمترین مصرف نمک را دارند.

ایرنا

کارخانه خانم‌ها

در مازندران کارخانه‌ای به‌راه افتاده است که از سرمایه‌گذاری، راه‌اندازی و نیروهای کار آن همگی خانم هستند. در این کارخانه انواع میوه‌ها تبدیل به چیپس می‌شوند. معاون استاندار مازندران در بازدید از این کارخانه گفت: «این کارخانه به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم برای ۱۷۶ نفر از بانوان استان مازندران کارآفرینی کرده است.»

پانا

ساعات پرورشی زیاد می‌شود

معاون پرورشی و فرهنگی وزیر آموزش و پرورش می‌گوید که با افزایش ساعات پرورشی در سال آینده، تعداد نیروهای پرورشی را هم بیشتر خواهیم کرد. به‌گفته آقای فیض با توجه به سیاست‌های جدید، معاونان و مربیان پرورشی، فضای تربیتی مدرسه را مدیریت می‌کنند. بنابراین مدیریت فضای تربیتی باید باعث شود همکاری بین مشاوران، معاونان و مربیان پرورشی بیشتر شود.

ایستنا

گاف روزنامه عربستانی درباره استقلال

یک روزنامه عربستانی در معرفی تیم استقلال که قرار است برابر التعاون به میدان برود، گاف بزرگی داد. روزنامه الرياضیه عربستان نوشت «مهدی امیرآبادی»، «مهدی کاظمی» و «محسن یوسفی» جزو بازیکنان باتجربه استقلال هستند، درحالی‌که هیچ‌کدام از این بازیکنان در حال حاضر در استقلال بازی نمی‌کنند.

مهر

بلندترین ساختمان چوبی در نروژ

بلندترین ساختمان چوبی دنیا در نروژ ساخته شده است. این ساختمان با ارتفاع ۵۲.۸ متر یکی از چند آسمانخراشی است که در این شهر در حال ساخت هستند. به‌عقیده دانشمندان، ساختمان‌های چوبی به حفظ محیط‌زیست کمک می‌کنند. به‌گفته مدیر این پروژه، ترس از آتش در این خانه‌ها بی‌اساس است، زیرا ستون‌ها و الوارهای به‌کاررفته در آن چنان ضخیم هستند که نمی‌سوزند. همچنین رنگ‌های به‌کار رفته در ساختمان ضد آتش هستند.

فشار خون



خداقوت



پرورشی را جدی بگیرید



درست سرچ کنیم



بی‌کالبد



آیا تابه‌حال پیش آمده که دلتان نخواهد جایی بروید؟

من مهمونی نمی‌یام...!

سیده‌شبنم شجاعی | بازهم سه‌شنبه شد و آمدیم تا با هم سری به مشاوره‌خونه بزنیم. آیا تابه‌حال برایتان پیش آمده که دلتان نخواهد جایی بروید، ولی خانواده به‌زور از شما بخواهند که همراه آنها بروید؟ وقتی در چنین شرایطی قرار میگیرید، چه‌کاری انجام می‌دهید؟ آیا دلخوری بین شما و بزرگ‌ترها پیش می‌آید؟ اگر دوست دارید راه‌حل برخورد با این مسأله را بدانید، با ما همراه شوید.

هر دو طرف ناراضی

سلام دوست عزیز، خیلی خوب توانستی مشکل خودت را توضیح دهی. مسأله‌ای که مطرح کرده‌ای، مشکل بسیاری از نوجوانان و والدین است. والدین از اینکه نوجوانان موقع بیرون رفتن اما و اگر می‌آورند و تمایل دارند در خانه بمانند، آشفته می‌شوند و نوجوانان هم از اینکه والدین نظر خود را بر آنها تحمیل می‌کنند و آنها را با خود می‌برند ناراضی و خشمگین می‌شوند. برای اینکه راه‌حل مناسبی برای مشکلات پیدا کنی، با ما همراه شو.

سخنی با والدین

یکی از سخت‌ترین لحظه‌ها برای والدینی که نوجوان دارند این است که هنگام حاضر شدن برای رفتن به جایی، با این سخن نوجوان روبه‌رو شوند که «من نمی‌خواهم بیایم، شما بروید. من در خانه می‌مانم». در چنین شرایطی اغلب والدین می‌مانند که چطور در یک زمان کوتاه نوجوان خود را راضی به همراهی با خود کنند و اغلب هم کار به دلخوری یکی از طرفین می‌انجامد. اگر شما هم چنین شرایطی را تجربه کرده‌اید، نکات زیر می‌تواند به شما کمک کند.

نوجوانی و حق انتخاب

اولین نکته مهم که باید به خاطر بسپارید این است که فرزند شما حالا دیگر بزرگ شده است و این بی‌میلی او برای همراهی با شما بخشی از فرایند نوجوانی اوست. او دوست دارد خودش برای روابطش تصمیم بگیرد و در برابر کاری که به او تحمیل شود، مقاومت می‌کند. اگر هنوز هم مثل دوران کودکی انتظار دارید فرزندتان بدون چون و چرا هر جاکه شما تصمیم گرفتید بیاید، لازم است در برخوردتان با نوجوان قدری تجدیدنظر کنید. نباید انتظار داشته باشید او هم مثل شما فکر کند و به برنامه‌های مورد علاقه شما، علاقه داشته باشد. حالا دیگر وقت آن رسیده که به نوجوان خود اجازه انتخاب بدهید. به او اجازه بدهید که در برخی از برنامه‌ها شرکت نکند و برای دیگران هم این مسأله را توضیح دهید که از فرزندتان دلخور نشوند.

ممنون است پدر یا مادر شما ساعت‌ها در خیابان برای خرید شما معطل بمانند، یا در رفت‌وآمد برای مدرسه و کلاس‌هاک فوق برنامه شما باشند، درحالی‌که ممنون است حوصله خردشان سر رفته باشد. خود است شما هم انعطاف بیشتری داشته باشید و گاهی در برنامه‌هایی که خودتان تمایل به آن ندارید، ولی بزرگ‌ترها حضور شما را لازم می‌دانند، شرکت کنید

اجبار ممنوع

هرگز برای همراه کردن نوجوان با خودتان متوسل به زور نشوید. این کار باعث مقاومت شدید نوجوان می‌شود؛ زیرا احساس می‌کند به استقلال و نظر او حمله شده است. در چنین حالتی اگر نوجوان را با خود به جایی ببرید، حتماً ناراضی‌اش را با رفتارشان نشان خواهد داد و کام خودش و شما را تلخ خواهد کرد.

توضیح دهید

اگر برنامه‌ای هست که لازم می‌دانید فرزندتان هم در آن شرکت کند، از قبل به نوجوان خود اطلاع دهید و خواسته خود را بیان کنید تا نوجوان برای شرکت در آن برنامه آمادگی لازم را داشته باشد. اگر ناگهان وارد اتاق نوجوان شوید و از او بخواهید که برای بیرون رفتن حاضر شود، با پاسخ مطلوبی روبه‌رو نخواهید شد.

جذابیت ایجاد کنید

نوجوانان از جمع‌هایی که در آن، همسن و سالان و دوستانشان حضور دارند، استقبال می‌کنند. فکر کنید چگونه می‌توانید برنامه‌ها را برای نوجوان خود جذاب کنید. مثلاً اگر برای رفتن به یک گردش یا بیرون شهر یا برنامه ورزشی، دوست نوجوان را هم با خود ببرید، حتماً نوجوان شما از آن برنامه استقبال می‌کند.

گاهی اوقات نوجوانان از اینگونه موقعیت‌ها برای اثبات اینکه پدر بزرگ‌تره‌اند استفاده می‌کنند و از اینکه، نظر بزرگ‌ترها مخالفت کنند و نظر متفاوتی داشته باشند، لذت می‌برند



تمرین کنید که با آرامش و مقاومت صحبت کنید. تذکر و بی‌احترامی راه‌حل مناسب برای مقابله کردن بزرگ‌ترها نیست. این کار آن‌ها را عصبانی و آشفته می‌کند. اگر اینطور که هستید، هرگاه گفتگو، زور زور می‌شود و از کوره در می‌روید و حرف‌هاک درشت می‌زنید، لازم است بیشتر روی خودتان کار کنید. تمرین کنید تا بدون تذکر و بی‌احترامی، خواسته‌هاک خود را بیان کنید

مدارا و درک نوجوان

سعی کنید نوجوان خود را درک کنید و با او مدارا کنید. اگر نوجوان ببیند که او را درک می‌کنید و تا جایی که ممکن است سعی می‌کنید با او همراهی کنید، او هم با شما همکاری می‌کند. بعضی وقت‌ها لازم است که خانواده و اقوام مقداری از انتظارات خود را کم کنند، نه اینکه به نوجوان فشار زیادی وارد شود و این کار برعهده شماست که آنها را مدیریت کنید تا هم نوجوان آسیب نبیند و هم اقوام و دوستان دلخور نشوند.

زمینه استقلال را فراهم کنید

یکی از بهترین کارهایی که می‌توانید انجام دهید این است که زمینه استقلال رأی و استقلال عمل نوجوان خود را فراهم کنید. تا جاییکه ممکن است اجازه بدهید که برای امور مربوط به خودش، خودش تصمیم بگیرد. اینطوری نوجوان شما احساس استقلال و رضایت می‌کند و برای اثبات اینکه بزرگ شده است، به چنین بهانه‌هایی متوسل نمی‌شود. فرصت تنهایی و خلوت بیشتری برای او فراهم کنید تا برای قدری تنها بودن با خودش، مجبور نشود از آمدن با شما پرهیز کند.

راه حل چیست؟

اگر چه اختلاف نظر و تعارض برسر موضوع رفت‌وآمدها در همه خانواده‌ها وجود دارد و مخصوصاً در دوران نوجوانی بیشتر به چشم می‌خورد، اما می‌توان با مهارت‌هایی آن را کاهش داد. راه‌حل‌های زیر به شما کمک می‌کند تا اختلاف‌نظرها و درگیری‌های خود را با خانواده به حداقل برسانید.

گفت‌وگو کنید

اولین قدم این است که تمرین کنید با بزرگ‌ترها گفت‌وگو کنید و خواسته‌های خود را با آنها در میان بگذارید. اگر خسته هستید یا جمعی برای شما جذابیت ندارد یا تکلیف و امتحانی دارید، با بزرگ‌ترها راجع به خواسته خودتان گفت‌وگو کنید و دلایل خود را توضیح دهید. در شماره‌های قبل هم، بارها و بارها به اهمیت گفت‌وگو کردن در حل تعارضات اشاره کرده‌ایم. اگر مهارت‌های گفت‌وگو کردن را در خودتان پرورش دهید، بسیاری از مشکلات شما به‌راحتی حل می‌شود.

آرامش یا تند، مسأله این است

تمرین کنید که با آرامش و منات صحبت کنید. تندی و بی‌احترامی راه‌حل مناسبی برای متقاعد کردن بزرگ‌ترها نیست. این کار آن‌ها را عصبانی و آشفته می‌کند. اگر اینطوری هستید که در هنگام گفت‌وگو، زود دلخور می‌شوید و از کوره در می‌روید و حرف‌های درشت می‌زنید، لازم است بیشتر روی خودتان کار کنید. تمرین کنید تا بدون تندی و بی‌احترامی، خواسته‌های خود را بیان کنید.

استقلال و خلوت طلب کنید

از خانواده بخواهید که زمینه استقلال بیشتر شما را فراهم کنند و فعالیت‌ها و زمان‌های مستقل بیشتری برای شما در نظر بگیرند. از آنها بخواهید که فرصت تنهایی و خلوت بیشتری برای شما فراهم کنند. اینطوری شما هم احساس رضایت بیشتری خواهید داشت و برای همراهی آنها در برخی برنامه‌های خانوادگی احساس تمایل بیشتری خواهید کرد.

هم جدا از هم، هم با هم

در یک خانواده متعادل، هر کدام از اعضای خانواده باید هم فعالیت‌ها و برنامه‌هایی مخصوص خودشان داشته باشند و هم برنامه‌هایی با یکدیگر. باید زمان‌هایی را مستقل از هم باشند و زمان‌هایی را با هم سپری کنند. درست است که شما دوست دارید استقلال بیشتری داشته باشید؛ ولی اگر در کناره‌گیری از جمع و خانواده زیاده‌روی کنید، هم به ارتباط عاطفی شما با بقیه اعضا و هم به یکپارچگی و انسجام خانواده صدمه وارد می‌شود. پس سعی کنید در کنار برنامه‌های شخصی خودتان، زمانی را هم به ارتباط و بودن در کنار خانواده اختصاص دهید.

رعایت حال هم

اما یادتان باشد که در یک خانواده، همیشه همه تصمیمات و برنامه‌ها باب میل و سلیقه ما نیست و بسیاری از اوقات افراد یک خانواده، کارهایی را برای رضایت‌خاطر یکدیگر انجام می‌دهند، درحالی‌که خودشان تمایلی به آن ندارند. مثلاً ممکن است پدر یا مادر شما ساعت‌ها در خیابان برای خرید شما معطل بمانند، یا در رفت‌وآمد برای مدرسه و کلاسهای فوق برنامه شما باشند، درحالی‌که ممکن است حوصله خودشان سر رفته باشد. خوب است شما هم انعطاف بیشتری داشته باشید و گاهی در برنامه‌هایی که خودتان تمایل به آن ندارید، ولی بزرگ‌ترها حضور شما را لازم می‌دانند، شرکت کنید.

چرا اینجوری شده‌ام؟

باید ببینیم علت فاصله گرفتن کی چیست؟ اگر علت را پیدا حل هم راحت‌تر پیدا می‌شود.

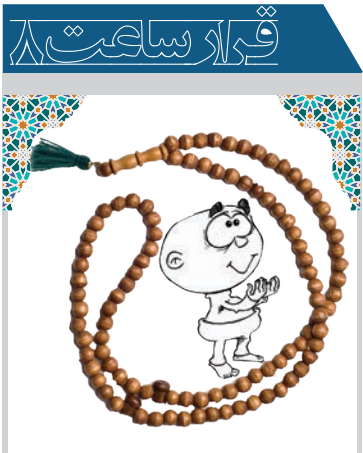
هم تغییر کرده است. در می‌داشته‌اید، تغییر کند. به باشد، و در عوض علاقه

ی بزرگ‌ترها جذاب است، تمایلی به شرکت در آن سن و سال شماست، بوگو و همنشینی با او بن شرایطی، هر نوجوانی برنامه‌ای شرکت نکند.

مهمونی

بازهم...!





الهی! مرغی‌ام به سلام و غزل؛ پر و بال
زنان به بام گل‌های محمدی تا بشنوی‌ام و
بخوانی‌ام به صحن و سرایت!
الهی! درختی‌ام. ایستاده به راحت بهار و
زمستان می‌شناسد این نماز.
بارخدا، تقویم عمرم را تو گلبرگ باش و
تو سبزم نگه دار. تو رهام باش و از چاه
نگه دار...!
الهی! قطره کوچکی‌ام به امید دریا (از تو
به یک اشاره از من سر دوییدن...)

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّآلِهٖٓ، وَفَرِّغْ قَلْبِيْ
لِمَحَبَّتِهٖٓ، وَاشْغَلْهُ بِذِكْرِكَ، وَانْقَشِهُ
بِقَوْلِكَ وَبِالْوَجَلِ مِنْكَ، وَ قُوَّةِ بِالرَّغْبَةِ اِلَيْكَ،
وَ اَمَلِهٖٓ اِلٰى طَاعَتِكَ، وَ اُخْرِجْهُ فِىْ اَحَبِّ السَّبِيْلِ
اِلَيْكَ، وَ ذَلِّهُ بِالرَّغْبَةِ فِىْمَا عِنْدَكَ اَيَّامَ حَيَاتِيْ
كُلَّهَا.

خدا یا بر محمد و آلش رحمت بفرست
و دم را برای محبت خود فارغ و به یاد
خویش مشغول کن و به ترس و هراس خود
از درافتادن به پرتگاه هوای نفس نگاه دار
و به رغبت به سوی خود نیرومند کن و
به فرمانبرداریات متمایل نمای و آن را در
خوشایندترین راه‌ها در نظر خود روان
کن و سراسر ایام زندگی‌ام به رغبت در
رحمت‌های خود رام ساز.

فراز ۱۰ دعای ۲۱ صفحه سجاده
برداشت و الهام آزاد
از اسماعیل فیروزی

دست نوجوان مرح۱ همدان پرورش فکرک نورگان و نوجوانان خراسان رضوی با همکاری روزنامه هشت بهشت شما
پرواز کرده تا شما پرنده‌های شجاع و زیب را ببریم گروه قاف. اگر شما هم به همدان کمک کنید، ما روزی یک پرواز خواهیم کرد.
پست الکترونیکی: hodhod8@kpf-khr.ir

دست نوجوان مرح۱ همدان پرورش فکرک نورگان و نوجوانان خراسان رضوی با همکاری روزنامه هشت بهشت شما
پرواز کرده تا شما پرنده‌های شجاع و زیب را ببریم گروه قاف. اگر شما هم به همدان کمک کنید، ما روزی یک پرواز خواهیم کرد.
پست الکترونیکی: hodhod8@kpf-khr.ir

دست نوجوان مرح۱ همدان پرورش فکرک نورگان و نوجوانان خراسان رضوی با همکاری روزنامه هشت بهشت شما
پرواز کرده تا شما پرنده‌های شجاع و زیب را ببریم گروه قاف. اگر شما هم به همدان کمک کنید، ما روزی یک پرواز خواهیم کرد.
پست الکترونیکی: hodhod8@kpf-khr.ir

دست نوجوان مرح۱ همدان پرورش فکرک نورگان و نوجوانان خراسان رضوی با همکاری روزنامه هشت بهشت شما
پرواز کرده تا شما پرنده‌های شجاع و زیب را ببریم گروه قاف. اگر شما هم به همدان کمک کنید، ما روزی یک پرواز خواهیم کرد.
پست الکترونیکی: hodhod8@kpf-khr.ir

دست نوجوان مرح۱ همدان پرورش فکرک نورگان و نوجوانان خراسان رضوی با همکاری روزنامه هشت بهشت شما
پرواز کرده تا شما پرنده‌های شجاع و زیب را ببریم گروه قاف. اگر شما هم به همدان کمک کنید، ما روزی یک پرواز خواهیم کرد.
پست الکترونیکی: hodhod8@kpf-khr.ir

دست نوجوان مرح۱ همدان پرورش فکرک نورگان و نوجوانان خراسان رضوی با همکاری روزنامه هشت بهشت شما
پرواز کرده تا شما پرنده‌های شجاع و زیب را ببریم گروه قاف. اگر شما هم به همدان کمک کنید، ما روزی یک پرواز خواهیم کرد.
پست الکترونیکی: hodhod8@kpf-khr.ir

حالا و هوای نوجوانی با هنرمند عضو کانون پرورش فکری

نوجوانی خوشمزه است...!

آقای پودینه را همه اعضای کانون پرورش فکری می‌شناسند. کنار این عضو سخت کوش هستیم تا از خودش و حال و هوای نوجوانی بیشتر بگویید.

آقا محمدرضا خود را بیشتر معرفی کن.

من محمدرضا پودینه هستم و تا الان ۱۵ زمستان از زندگیم گذشته است. در مدرسه نمونه‌دولتی ابرار مشغول علم آموزی هستم. ۸ سال و ۵ ماه است که عضو مرکز شماره یک کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در مشهد هستم و در این مرکز فعالیت‌های ادبی و هنری‌ام را شروع کرده‌ام. یکی از فعالیت‌های مورد علاقه‌ام، کتاب خواندن است و بیشتر علاقه دارم در مکتب کتاب بخوانم.

از موفقیت‌هایت برایمان بگو؟

خوشنویسی یکی از هنرهایی است که به آن علاقه‌مندم و در کلاس‌های کانون شرکت کرده‌ام. الان در مرحله ممتاز خوشنویسی‌ام و مدارک خط تحریری‌ام را گرفته‌ام. علاوه‌بر این در کارگاه‌های نقاشی هم حضور دارم و از آن لذت می‌برم. از مقام‌هایی که تا به حال کسب کردم می‌توانم به دو سالانه خوشنویسی اشاره کنم. این دو سالانه در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برگزار می‌شود و در واقع رقابتی است بین اعضای خوشنویس کانون در سطح کشور که توانستم رتبه بر گزیده را در این رقابت‌ها کسب کنم.

شما در حوزه ادبی و نوشتن هم فعال هستی، از موفقیت‌هایت در این حوزه برایمان بگو.

به شعر حفظ کردن علاقه‌مند هستم. در سال ۱۳۹۳ برای مشاعره رضوی برای حضور در برنامه شبکه دو به تهران رفتم و با بقیه نوجوان‌ها در مشاعره رقابت کردم. در نمایشنامه‌خوانی رضوی مقام اول کشوری داشتم. در زمینه ادبی شعر و داستان هم سال‌هاست در کارگاه‌های ادبی کانون شرکت می‌کنم. در جلسات نقد انجمن ادبی «آفتاب» که هر ماه در مرکز آفرینش‌های ادبی کانون برگزار می‌شود نیز شرکت می‌کنم و تلاش می‌کنم در نقدهای حضوری فعال داشته باشم. چندبار هم شعرهایم در کتاب‌های «آفتاب مهتاب» که مجموعه‌ای از آثار برتر مراکز کانون پرورش فکری خراسان رضوی است، چاپ شده است.

تو از کتاب خواندن هم گفتی. آیا خواندن ملال آور نیست؟ آن هم در عصر اینترنت و سرعت اطلاعات؟

نه، اصلاً این‌طور نیست. به‌نظم مطالعه یک تفریح است. من آن‌قدر که مطالعه را دوست دارم، بازی با کامپیوتر را دوست ندارم. هنگام بازی با کامپیوتر حس می‌کنم کار پوچی انجام می‌دهم و در پایان لذتی نمی‌برم. من تمام سعی‌ام را به کار بردم و بیشتر هنرها را تجربه کردم. با نقاشی و خوشنویسی می‌توان آثار زیبایی کشید. با ادبیات و خوشنویسی می‌توان اشعار زیبا نوشت و... این لذت‌ها را نمی‌توان در فضای مجازی به‌دست آورد.

ارتباطت با ابزارهای کارت چگونه است؟

(می‌خندد) یکی از وسایلی که با آن حس بسیار خوبی می‌گیرم قلم است. می‌خواهد قلم نی باشد، می‌خواهد خودکار باشد و یا می‌خواهد مداد باشد. به‌محض اینکه کاغذی به‌دستم می‌آید و قلمی در دستم قرار می‌گیرد، نوشتن را شروع می‌کنم. من عاشق قلمم.

چه جالب! دکتر شریعتی هم درباره قلم سخنان زیبایی دارد. توصیه می‌کنم حتماً بخوانی. خوب درباره نوجوانی بگو. نوجوانی چه سنی است؟

به‌نظم نوجوانی به رنگ شکوفه‌های درخت هلو است. پر از حساسیت، پر از زیبایی و بسیار خوشمزه!

درباره نقد صحبت کردی. فکر می‌کنی چرا نقدهایی که بر آثار دوستان می‌کنی مورد توجه قرار می‌گیرد؟

وقتی داستان و کتاب زیاد بخوانی می‌توانی حرف‌هایت را بهتر بزنی. این هنر کتاب است. من کتاب خواندن را خیلی دوست دارم و کتاب زیاد امانت می‌گیرم و به همین خاطر به‌عنوان یکی از اعضای برتر کتابخوان شناخته شده‌ام و با این امتیاز، همراه برایم کتاب ارسال می‌شود.

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان چه نقشی در پیشرفت تو داشته است؟

شاید یکی از جاهایی که باعث شد بتوانم استعدادهایم را پیدا کنم، کانون بوده است. من شاید اگر به کانون نمی‌آمدم، الان اینجا نبودم. حضور من در خوشنویسی، نمایشنامه‌نویسی، شعر و داستان و نقد و بخش‌های دیگر، به‌دلیل حضورم در کتابخانه‌های کانون است.

شما در حوزه ادبی و نوشتن هم فعال هستی، از موفقیت‌هایت در این حوزه برایمان بگو.

به شعر حفظ کردن علاقه‌مند هستم. در سال ۱۳۹۳ برای مشاعره رضوی برای حضور در برنامه شبکه دو به تهران رفتم و با بقیه نوجوان‌ها در مشاعره رقابت کردم. در نمایشنامه‌خوانی رضوی مقام اول کشوری داشتم. در زمینه ادبی شعر و داستان هم سال‌هاست در کارگاه‌های ادبی کانون شرکت می‌کنم. در جلسات نقد انجمن ادبی «آفتاب» که هر ماه در مرکز آفرینش‌های ادبی کانون برگزار می‌شود نیز شرکت می‌کنم و تلاش می‌کنم در نقدهای حضوری فعال داشته باشم. چندبار هم شعرهایم در کتاب‌های «آفتاب مهتاب» که مجموعه‌ای از آثار برتر مراکز کانون پرورش فکری خراسان رضوی است، چاپ شده است.



هنگام رانندگی، به جای موبایل، حواستان
به روبرویتان باشد...

فاسد می‌کند و بیشتر از همه خود را اذیت خواهد کرد...
استاد بزرگ
سست‌ترین کلمه «شانس» است... به امید آن نباش.
محکم‌ترین کلمه «پشتکار» است... آن را داشته باش.
سالم‌ترین کلمه «سلامتی» است... به آن اهمیت بده.
شایع‌ترین کلمه «شهرت» است... دنبالش نرو.
ضروری‌ترین کلمه «تفاهم» است... آن را ایجاد کن.
دوستانه‌ترین کلمه «فاقت» است... از آن سوءاستفاده نکن.
اصلی‌ترین کلمه «طمینان» است... به آن اعتماد کن.
ضعیف‌ترین کلمه «حسرت» است... از آن دوری کن.
استاد بزرگ
من هنوز سر اینکه چرا بخاری‌ها بخار نمی‌کنن، خود در گیری داشتم
تا اینکه فهمیدم خودنویس هم خودش نمی‌نویسه
آخه چرا الکی اسم می‌ذارین؟
خوشمزه‌خان

عتیقه‌فروشی در روستایی به منزل رعیتی ساده وارد شد. دید کاسه‌ای نفیس و قدیمی دارد که در گوشه‌ای افتاده و گریه در آن آب می‌خورد. دید اگر قیمت کاسه را بپرسد، رعیت متوجه مطلب می‌شود و قیمت گرانی بر آن می‌نهد. لذا گفت، عموجان چه گریه قشنگی داری! آیا حاضری آن را به من بفروشی؟ رعیت گفت، چند می‌خری؟ گفت، یک درهم. رعیت گریه را گرفت و به دست عتیقه‌فروش داد و گفت، خیرش را ببینی. عتیقه‌فروش پیش از خروج از خانه با خونسردی گفت، عموجان این گریه ممکن است در راه تشنه‌اش شود، بهتر است کاسه آب را هم به من بفروشی. رعیت گفت، قربان، من با این کاسه تا به حال پنجاه گریه فروخته‌ام، کاسه فروشی نیست، عتیقه است.
استاد بزرگ
روزی یزگی به فرزندش گفت، «از فردا یک کیسه با خودت بیاور و در آن به تعداد آدم‌هایی که دوست نداری و از آنان بدت می‌آید پیاز قرار بده» روز بعد فرزند همین کار را انجام داد و آن بزرگ گفت، «هرچاکه می‌روی این کیسه را با خود حمل کن» فرزندش بعد از چندروز خسته شد و به آن بزرگ شکایت برد که پیازها گندیده و بوی تعفن گرفته است و این بوی تعفن مرا اذیت می‌کند. آن بزرگ پاسخ داد، «این شبیه همین وضعیتی است که تو کینه دیگران را در دل نگه می‌داری. این کینه، قلب و دلت را

هشتکو
جایی برای خندیدن، شاد بودن و حرف‌های خوشمزه زدن است.